

شکل‌گیری و تحول موسیقی

(از آغاز تا سده میانه)

سیدعلیرضا هاشمی*



از چگونگی موسیقی در
بین انسان‌های اولیه
اطلاعات چندانی در دست
نیست، ولی آنچه مسلم
است، همان‌طور که هر دوره
از زندگی اجتماعی و
اقتصادی انسان، با نوآوری‌ها
و دگرگونی‌ها همراه بوده
است، آگاهی و شناخت
انسان نسبت به موسیقی و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

ابزار و سازهای آن نیز طی زمان‌های متمادی بیشتر شده تا آنجا که امروزه می‌توان تفاوت تکنیکی و آوازی آشکاری را بین سازهای موسیقی و کمپوزسیون آنها بین جوامع ابتدایی و پیشرفته امروزی ترسیم کرد. در جوامع ابتدایی، به دلیل فرهنگ تقریباً ثابت و فناوری پایین آن، بالطبع تغییرات و ترکیب‌بندی سازها بسیار محدود بود، ولی در جوامع پیشرفته، با تغییرات شدید فرهنگ و فناوری، علم موسیقی نیز به دلیل برخورداری از فنون و تکنیک‌های ویژه، دارای تنوع و دگرگونی خاصی در ملودی، ساز و اجراها شد.

این مقاله که در حوزه اتنوموزیکولوژی تاریخی تدوین شده، سعی ندارد به تمام ابعاد و موسیقی در فرهنگ و زندگی انسان اولیه بپردازد، بلکه کوششی است اندک برای شناسایی خط باریکی از موسیقی اولیه و تغییر و تحول در قسمتی از ابزارهای انسان ابزارساز.

انسان نخستین موسیقی را از طبیعت آموخت: صدای آبشار، ریزش باران، رعد و برق، وزش باد از میان برگ‌ها، آواز پرندگان، صدای امواج دریا و هزاران صدای دیگر که در طبیعت وجود دارند. در واقع طبیعت بزرگترین الهام بخش انسان برای ساختن و به وجود آوردن موسیقی بود. با گذشت زمان، در مسیر پیشرفت تمدن، انسان با اصوات جدیدی آشنا شد؛ اصواتی که از وسایل کار و زندگی او برخاست، مانند صدای ناشی از فرسودگی چرخ‌هایی که برای پیشرفت خود ساخته بود.^(۱) با وجود این، هیچ کس از چگونگی پیدایش موسیقی اولیه آگاهی ندارد. ابتدایی‌ترین صداها از حنجره و اعضای بدن انسان است؛ مانند دست زدن، پازدن و فریاد زدن؛ حتی قبل از آنکه زبان به وجود آید. سپس انسان از وسایل مختلف استفاده کرد و از طریق رعدوبرق، صدای آبشار و... توانست به نوعی تقلید دست بزند. بنابراین، می‌توان گفت صدای انسان به عنوان نوعی موسیقی، قدمتی به اندازه تاریخ زندگی انسان دارد.

نخستین نقش از آفرینش موسیقی از سوی انسان، نقشی است که در یک غار ما قبل تاریخ در آری‌یر (Arieyer) فرانسه برجای مانده است. این نقاشی، یک شکارچی را

نشان می‌دهد که با پوست حیوانات خود را پوشانده است و در تعقیب یک گوزن شمالی است. شکارچی کمانی در دست دارد، ولی از آن برای پرتاب تیر به سوی گوزن استفاده نمی‌کند، بلکه کمان را با دهان باز نگاه داشته است و آن را مانند «زنبورک»^(۲) می‌نوازد. یعنی زه کمان را به صدا در آورده است و با تغییر شکل دهانش، اصوات را تغییر می‌دهد. پرسش اینجاست که چرا شکارچی به جای پرتاب تیر به سوی گوزن، چنین می‌کند؟ پاسخ این پرسش، یکی از مهمترین نکات را درباره موسیقی انسان‌های نخستین برای ما روشن می‌سازد. در واقع شکارچی می‌کوشد با این کارگوزن را سحر و جادو کند^(۳).

از سوی دیگر، می‌توان گفت نزد قبایل بدوی جوهر تمام جمادات و اشیا، صوت است. نیروهای مؤثر مانند خدایان، ارواح و اوراد جادویی نیز صوتی هستند. انسان بدوی، با استفاده از صوت بر روح هر موجودی، بدون آنکه بتواند با آن موجود تماس حاصل کند، اثر می‌گذارد. گو اینکه این اثر انتزاعی است، با وجود این، او صوت خود را وسیله‌ای عینی می‌پندارد.

نیروی موسیقی نزد قبایل بدوی در اصل نیرویی روانی است. علت اهمیت ویژه صوت در مراسم جادویی در تأثیرات فیزیولوژیک آن نهفته است، مانند «موزیکو تراپی»^(۴). طرد حوادث شوم تنها با استفاده از صوت امکان‌پذیر است. اصولاً همه حوادث روزمره از نیروی صوت اطاعت می‌کنند؛ موسیقی نیازهای طبیعی زندگی روزمره همه اهالی قبیله را در خود منعکس می‌کند و متعلق به تمامی شئون فردی و اجتماعی است و از آنها سرچشمه می‌گیرد.

از سوی دیگر، در فرهنگ‌های بدوی همانند فرهنگ‌های کهن، خلقت دنیا پیوسته با عناصری صوتی همراه است. اهالی لانگو (Lango) در اوگاندا، هوتن توت (Hottentot) در جنوب غربی آفریقا و پانگو (Pango) در تانزانیا معتقدند که خدایانی که خلقت دنیا را برعهده دارند، در درختانی که صحبت می‌کنند، مستقرند. این

درختان با طبل‌هایی بزرگ که آنها نیز از پوست درخت ساخته شده‌اند و معمولاً طرح انسان یا حیوان دارند، در ارتباطند.

نه تنها آفرینش دنیا، بلکه آفرینش انسان نیز در تعدادی از اساطیر با موسیقی ارتباط دارد. قوم هوپی (Hopi) در آمریکا عقیده دارد که اولین انسان‌ها در زیرزمین زندگی می‌کردند. این انسان‌های اولیه برای خروج از زیر زمین دو درخت و تعدادی نی کاشتند. دو درخت برای ساخت طبل، و نی‌هایی برای ساختن فلوت. اما این درخت‌ها و نی‌ها بعدها پلکانی را برای خروج به سطح زمین تشکیل دادند و پرنده‌ای در نزدیکی در خروجی با آواز خود، زبان قبیله هر یک از افرادی را که به سطح زمین می‌آمدند، مشخص می‌کرد.

اسطوره دیگری می‌گوید، اهالی ناواهو (Navaho) در آمریکا، ابتدا در زیرزمین تاریک زندگی می‌کردند و تنها دو نوازنده فلوت به این تاریکی روح می‌بخشیدند. روزی یکی از این دو نوازنده در حالی که سطح زیر زمین را با فلوت خود لمس می‌کرد، ناگهان انعکاس صدایی را شنید. با شنیدن این انعکاس صدا، انسان‌ها و حیوانات ساکن زیرزمین تونلی به سوی آن حفر کردند و با عبور از آن به سطح کوهستان رسیدند. در آنجا دریای وسیعی مانع عبور آنها شد. برای رفع این مانع آنها شروع به نواختن کردند، در نتیجه بادی شروع به وزیدن کرد و آب‌های این

دریای وسیع را عقب راند. با عقب رفتن آب‌های دریا، قوم ناواهو بر سطح زمین مستقر شدند. سپس این قوم، خورشید و ماه را بنا کردند و آنها را به دو نفر نوازنده فلوت سپردند.^(۵)

انسان طی قرون متمادی به تدریج متوجه شد که صداهای منظم در تنظیم کار و تهییج فعالیت او تأثیر دارند. به گونه‌ای که ضرباهنگ^(۶) را از حرکات بدنش و ملودی^(۷) را از تغییرات اوج (Pitch) صدایش کشف کرد. هنگامی که انسان اولیه قدرت این عناصر موسیقایی را تشخیص داد، آنها را به عنوان ابزار جادوگری و سحر و جن‌گیری به کار گرفت و به تدریج که مردمان با جادوی موسیقی بیشتر آشنا شدند از الگوهای (Pattern) موسیقی نیز آگاهی یافتند؛ به طوری که در الگوی ضرباهنگ به کشف دو ضرب اساسی دست یافتند، یکی دو ضربی (Double) و دیگری مارش (March) که هر دو اقتباس طبیعی از عمل راه رفتن است.^(۸)

همچنین خداجویی انسان از دیرباز موجب

شده است که وی نیازی درونی را برای پرستش موجودی برتر در خود احساس کند. این نیاز در ظاهر، گاه به صورت پرستش عوامل طبیعت مانند خورشید یا ماه به عنوان نمودی از خدا تجلی می‌یافت و گاه به صورت پرستش نمودهایی از تفکرات خود وی که به صورت بت‌هایی ساخته دست او بودند، در می‌آمد.

انسان طی قرون متمادی به تدریج متوجه شد که صداهای منظم در تنظیم کار و تهییج فعالیت او تأثیر دارند، به گونه‌ای که ضرباهنگ را از حرکات بدنش و ملودی را از تغییرات اوج (Pitch) صدایش کشف کرد.

عوامل طبیعی دیگر مانند آتشفشان، طوفان،

زلزله و رعد و برق نمودهایی از خشم پروردگار تلقی می‌شدند و چون ترس را در دل انسان به وجود می‌آوردند، آوازهایی را در قالب تمنا و خواهش از درگاه خدا به وجود آوردند که به تدریج به صورت سروده‌های مذهبی و آوازه‌های دسته جمعی عبادی درآمدند.^(۹)

با گذشت زمان، انسان‌های اولیه شیوه‌های جدیدی برای آفرینش موسیقی ابداع کردند. آنها از غلاف گیاهان و دانه‌های خشک شده نوعی «جغجغه»؛ با کشیدن پوست بر کنده‌های توخالی درخت «طبل»؛ از فلز پوشیده شده «سنج»؛ و همچنین از قطعات سنگی به اندازه‌های مختلف «زیلوفن» (xylophon) ساختند. همچنین با استفاده از کمان (شبیبه به کمان شکارچی) و سیم‌های به اندازه‌هایی مختلف، «چنگ»^(۱۰) ساخته شد و برای ارتعاش بیشتر اصوات، سیم‌ها را روی جعبه‌های توخالی نصب کردند که این خود بعدها امکان اختراع «گیتار» و «ویولون» را فراهم آورد. آنها از استخوان‌های توخالی یا خیزران، نی‌های می‌ساختند که از بالا بر آنها می‌دمیدند و برای به وجود آوردن صداهای گوناگون، نی‌هایی را با اندازه‌های مختلف به هم می‌بستند. بعدها پی بردند که چگونه با تعبیه سوراخ‌هایی روی نی‌ها می‌توانند صداها یا نت‌های متعدد به وجود آورند. شکارچیان ابتدا در شاخ حیوانات می‌دمیدند و بعدها نمونه‌های فلزی آن شاخ‌ها را ساختند که تکامل آنها منجر به پیدایش «ترومپت» (trumpet) شد. به طوری که بعدها در دوران امپراتوری‌های بزرگ مصر و چین، نمونه‌های مختلفی از هر یک از این سازهای اصلی وجود داشت و در کاخ‌ها و معابد بزرگ اغلب دسته‌هایی از نوازندگان چنگ، طبل، شیپور و نی وجود داشتند که برای پرستش خدایان یا شخص امپراتور موسیقی می‌نواختند.^(۱۱)

قدیمی‌ترین «فلوت» در فرانسه کشف شده است که مربوط به بیست و پنج هزار سال قبل از میلاد مسیح است. مجسمه یک رقاصه نیز که به پنج هزار سال قبل از میلاد مربوط می‌شود در حوالی اهرام مصر کشف شده است. ولی قدیمی‌ترین ساز موسیقی در آثار سومری یافت شده است که به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. سومریان در سه هزار سال قبل از میلاد دارای موسیقی پیشرفته و سازهای متنوعی بوده‌اند.^(۱۲)

درباره نقش موسیقی در زندگی مردمان عهد باستان، مطالب بسیاری در زمینه جادو و پرستش خدایان مختلف و پرستش «یهوه» خدای عبرانی‌ها وجود دارد. داستان

تخریب دیوارهای «آریحا»^(۱۳) بر اثر دمیدن شیپورها، دلیل اعتقاد انسان‌های آن دوران به قدرت معجزه‌آسای موسیقی است و به همین ترتیب است داستان فرونشاندن خشم «شائول» بر اثر نواختن چنگ از سوی داوود. در انجیل نیز به آلات موسیقی بسیاری اشاره شده است که بعضی از آنها اسامی عجیبی دارند؛ مانند «شاوم»^(۱۴) و سالتری (نوعی چنگ)، به طوری که گونه‌ای از «ترومپت» به نام «شوفار» هنوز هم در جشن سال نوی یهودیان نواخته می‌شود^(۱۵).

موسیقی علمی از قرن هشتم پیش از میلاد در یونان آغاز شد. یونانیان که دارای یکی از قدیمی‌ترین انواع موسیقی هستند، اولین گروهی بودند که از نظر علمی روی موسیقی کار کردند و برای آن نظریه ویژه‌ای به وجود آوردند و آهنگ‌ها را با حروف (نت) یادداشت کردند. شعرا و استادان موسیقی یونان در زمان‌های ویژه‌ای در پانتئون (Pantheon) معبد خدایان جمع می‌شدند و آثار خود را اجرا می‌کردند. خدای موسیقی و هنرهای زیبای آنان آپولون (Apollon) بود که با نه فرشته خود در کوه پاراناس (Parnasse) به سر می‌برد. یونانیان هر یک از فرشتگان هنرهای زیبا را موز (Muse) می‌نامیدند و واژه موزیک (موسیقی) از این کلمه مشتق شده است. در یونان قدیم واژه موزیک به مفهوم وسیع آن رقص، شعر و متون ادبی را نیز در بر می‌گرفت.^(۱۶) یونانیان المپیادهای سالانه موسیقی نیز برپا می‌کردند که جنبه جهانی داشت و حتی مقام یک نوازنده با استعداد نی لبک یا چنگ در نظرشان هم تراز با یک فرماندار بود.

سازهای اصلی یونانیان «کیتارا» و دیگری «اُبس»^(۱۷) (Abus) بوده است. از «کیتارا» برای همراهی کردن سرودهای مربوط به پرستش خدایان و از اُبس برای همراهی کردن رقص‌ها استفاده می‌شد. به طور کلی موسیقی در یونان تکامل یافت، مانند آوازهای خالص همراه ساز تا موسیقی بدون کلام یا تجریدی (Abstract). اولین کار شناخته شده در موسیقی بدون کلام، قطعه توصیفی به نام پی تیک نوم (Pythic nome) مربوط به ۵۸۵ قبل از میلاد

مسیح است که پنج قسمت (Mouement) دارد و همراه با صدای تیز و نافذ نی لبک‌هاست که نبرد میان آپولون و اژدها را تداعی می‌کند این تصنیف بی‌شک به گوش شنوندگان امروزی سست و بی‌معنی می‌نماید، زیرا موسیقی یونانی به طور خالص تک صدایی (Mono phonic) بود؛ یعنی تمامی صداها و سازها یک آهنگ واحد را اجرا می‌کردند^(۱۸).

از سوی دیگر، موسیقی نقش مهمی در نمایشنامه‌های یونانی داشت و اغلب از گروه کر (chours، لفظ یونانی) برای خواندن قسمت‌هایی از نمایشنامه‌ها استفاده می‌شد. نمایشنامه‌های یونانی اساساً نوعی از اشکال پرستش خدایان بودند و موسیقی نمایشنامه‌ها برای ارتباط قدرت جادویی و مذهبی آن به کار می‌رفت.

موسیقی یونان، همانند فلسفه یونان دارای تقسیمات موزون (Harmonic) و همانند علومش دارای ارقام جهت‌دار بود. یکی از کشفیات مهم یونان (که فیثاغورث کاشف آن بوده است) ارتباط میان طول یک سیم مرتعش با ستونی از هوا و اوج (pitch) حاصل است که این، نقطه آغاز علم صداشناسی است که صداهای فرعی ملایمی که در هر پرده وجود دارد، شناخته می‌شوند^(۱۹).

با گذشت زمان، مقام‌های یونانی با افول تمدن یونان به بقای خود ادامه دادند و با بسیاری از ویژگی‌هایشان به امپراتوری نورد روم رخنه کردند، اگر چه اطلاعات اندکی درباره موسیقی یونانی داریم، ولی از چگونگی نوای موسیقی آنها اصلاً چیزی نمی‌دانیم. رومیان که در تمدن وارث یونانیان بودند، موسیقی را نیز مانند سایر آثار هنری از آنها اقتباس کردند. آنها در قرون وسطی به تقلید از یونانیان آوازهای دسته جمعی همراه رقص را در نمایش و تراژدی و کمدی وارد ساختند.

در زمان نرون (Neron) موسیقی مقام عالی خود را از دست داد و رومی‌ها برخلاف یونانیان که موسیقی را هنر می‌پنداشتند، آن را وسیله تحریک احساسات شهوانی قرار دادند و فن نوازندگی به قدری پست شد که آن را به بردگان واگذار کردند.

رومی‌ها از موسیقی بیشتر در میهمانی‌ها استفاده می‌کردند تا در مراسم مذهبی و احتمالاً در رم بود که برای اولین بار ایده «بازیگران سیار» پایه گذاری شد؛ مردم فقیری

که می‌توانستند برقصند، معلق بزنند، شعبده بازی کنند یا بخوانند و بنوازند و در میدان‌ها و خانه‌های بزرگ نمایش دهند و به سراسر امپراتوری روم مسافرت کنند و موجب سرگرمی مردم شوند؛ اینان نخستین خنیاگران دوره گرد^(۲۰) بودند.

بدین ترتیب، موسیقی به سبب فساد اجتماعی و اخلاقی مفهوم حقیقی خود را از دست داد. اما در رم شرقی (بیزانس)، مقام والای موسیقی همچنان پایدار ماند و از زمان قسطنطین اول موسیقی یونانی - لاتین بر اساس تحقیقات دانشمندان یونانی و نظریه پردازان رومی ایجاد شد. به طوری که موسیقی بیزانس بعدها پایه و اساس موسیقی کلیسا قرار گرفت و منشاء تحولات مفیدی در موسیقی قرون وسطی شد^(۲۱).

پی‌نوشت:

- ۱ - یادداشت‌های درس موسیقی‌شناسی کامبیز، روشن روان دانشکده صداوسیما، ۱۳۷۰.
- ۲ - زنبورک (jew 's Harp) یکی از شناخته شده‌ترین سازها چه در اروپا و چه در آسیاست. اصلیت این ساز هنوز روشن نشده است و ارتباطی با کلمه (jew) یعنی یهود ندارد. این ساز به زبان دانمارکی، ترومپت بچه‌هاست و در تهران به همان زنبورک معروف است که صدایی مانند لالایو دارد.
- ۳ - بریس، جفری، داستان موسیقی، ترجمه مهدی جوانفر، ناشر مترجم، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۱۵.
- ۴ - Musico Traphy؛ درمان امراض به وسیله موسیقی که عبارت است از تغذیه جوهر صوتی حیات از طریق آواز و ساز به بیمار.
- ۵ - مسعودیه، محمدتقی، مبانی اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی تطبیقی)، سروش، ۱۳۶۵، ص ۲۹-۳۰.
- ۶ - Rythme؛ ضرب. ریتم، در موسیقی عبارت از توالی ضرباهنگ است و اساساً برای موزون کردن نوای موسیقی به کار می‌رود. اهمیت ضرب در موسیقی به اندازه وزن در شعر است.
- ۷ - Melody. ملودی، مایه اصلی موسیقی است. ملودی از لفظ یونانی Melos به معنای پیوستگی مشتق شده است و در تعریف عبارت است از اصوات موزون و متوالی که به گوش مطبوع باشد.
- ۸ - هارس، کارتر، داستان هنر موسیقی، انتشارات بهجت، تهران: ۱۳۶۷، ص ۸.
- ۹ - یادداشت‌های درس موسیقی‌شناسی. همان.

۱۰ - هارپ (Harp) از جمله سازهای زهی است با قابی بزرگ به شکل مثلث که در حدود چهل و پنج سیم به موازات هم، ولی به اندازه‌های متفاوت به این قالب نصب می‌شوند که نوازنده با سرانگشتان خود آنها را به صدا در می‌آورد. در قسمت تحتانی چنگ هفت پدال وجود دارد که نوازنده با بالا و پایین بردن هر یک، سیم‌های همنام را ریزتر یا بم‌تر می‌کند. چنگ بعد از طبل قدیمی‌ترین سازهاست و قدمت آن به ۵۰۰۰ سال می‌رسد و همچنان مورد استفاده است.

۱۱ - بریس، جفری، همان، ص ۱۸.

۱۲ - یادداشت‌های درس موسیقی شناسی، همان.

۱۳ - آریحا، (Jericho) شهری باستانی در شرق فلسطین که قدمت آن را به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد تخمین می‌زنند.

۱۴ - شاوم (shawm) ساز بادی چوبی از اجداد خانواده «آبوا» که در قرون وسطی و تا اواخر قرن هفدهم میلادی استفاده می‌شد. این ساز دارای زبانه مضاعف یا قمیش بوده و در اندازه‌های مختلف وجود داشته است. امروزه نیز از شاوم به عنوان سازی محلی به ویژه در اسپانیا استفاده می‌شود. «سرنا» که هنوز در ایران و کشورهای عربی نواخته می‌شود، قرابت زیادی با شاوم دارد.

۱۵ - بریس، جفری، همان، ص ۲۰.

۱۶ - پیشین یادداشت‌های درس موسیقی شناسی، همان.

۱۷ - ابس مهمترین ساز بادی چوبی یونان باستان، متشکل از دو نی سوراخدار که هر کدام برای خود زبانه مضاعف یا قمیشی داشته و با هم نواخته می‌شده‌اند. به طوری که نوازنده هر یک از این نی‌های جداگانه را در یکی از دست‌هایش می‌گرفته و می‌نواخته است. برخی از انواع ابس ریشه شرقی دارند.

۱۸ - هارس، کارتر، همان، ص ۱۱.

۱۹ - همان: ص ۱۱. *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۲۰ - Wonderingminsterls

۲۱ - یادداشت‌های درس موسیقی شناسی، همان. *پرتال بین علوم انسانی*